

بسم الله الرحمن الرحيم

## مشروعیت فعالیت حزبی در اسلام

(ترجمه)

اسلام همواره بر تعیین سازوکارهای عملی و موفق برای اجرای احکام شریعت تأکید کرده است؛ زیرا اسلام برخلاف بسیاری از اصول و اندیشه‌های دیگر، صرفاً یک آرمان‌شهر خیالی یا فلسفه‌ای نظری و غیرقابل اجرا نیست، بلکه دینی است که قوانین و دستورات آن برای اجرا در زندگی واقعی طراحی شده‌اند.

برای مثال، اندیشه‌ی سوسیالیسم با برخی از آرمان‌ها و ایده‌های خود، قلب‌های ستم‌دیدگان و فرودستان را تحت تأثیر قرار داد و با ارائه‌ی تصاویری آرمانی و رؤیایی، احساسات آن‌ها را برانگیخت. اما این ایده‌ها در عمل غیرقابل اجرا و تحقق‌ناپذیر بودند. همین امر باعث شد که نظریه‌پردازان سوسیالیسم، برای دستیابی به این آرمان‌ها و اهداف، از اصول خود فراتر بروند و حتی باورهای‌شان را نقض کنند تا از شکست حتمی بگریزند.

اما سرمایه‌داری در بسیاری از موارد خود را از زحمت تبیین روش‌ها و شیوه‌های اجرا راحت کرد، زیرا با نهادینه کردن رویکرد عمل‌گرایانه (پراگماتیسم) و این باور که «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، راه را برای خلاقیت ذهن‌ها در ابداع ابزارها و روش‌های رسیدن به اهداف باز گذاشت. اما نتیجه این شد که آن‌ها دچار سردرگمی شدند و قطب‌نما، ارزش‌ها و اصول اخلاقی خود را از دست دادند.

اما اسلام برای هر اندیشه‌ای، روشی مشخص تعیین کرده و برای هر عمل و هدف، چارچوب‌ها، معیارها و قواعدی را وضع کرده است؛ به‌گونه‌ای که زندگی مسلمانان را با دقتی هنرمندانه ترسیم کرده و جامعه، خانواده و فرد را به شکلی منظم و هماهنگ شکل داده است. از جمله مهم‌ترین احکامی که اسلام در زمینه‌ی اصلاح و پیشرفت جوامع تشریع کرده است، فعالیت حزبی است.

اسلام فعالیت حزبی را به عنوان راهی برای تغییر و تأثیرگذاری بر جوامع و نظام‌های حاکم قرار داده است. اسلام بر این نکته تأکید دارد که تلاش‌های افراد مخلص و صادق باید در قالب یک مجموعه منسجم هماهنگ شود تا بتوانند شکافی در ساختارهای موجود ایجاد کرده و حاکمان را وادار به پاسخ‌گویی و پذیرش خواسته‌های‌شان کنند. به همین دلیل، فعالیت حزبی همواره از خطرناک‌ترین اقدامات علیه نظام‌ها و حاکمان به شمار می‌رفته است.

حاکمان همواره با اندیشه‌ی شکل‌گیری گروه‌های اصول‌محور و پیوستن به آن‌ها مبارزه کرده‌اند و به روش‌های مختلف مردم را از آن‌ها دور ساخته‌اند؛ از جمله با ترساندن، سرکوب، بازداشت، تعقیب و محدود کردن افراد. آن‌ها همچنین با بهره‌گیری از گروه‌ها و علمایی که دین را برای مردم تحریف کردند و احکام الله را دگرگون ساختند، مردم را از فعالیت حزبی برحذر داشتند. تا جایی که با جرأت گفتند که "حزبی‌گرایی در اسلام جایگاهی ندارد" و فعالیت حزبی را حرام شمردند و آن را جرم دانستند. برای فریب مردم، به دلایلی استناد کردند که هیچ ارتباطی با فعالیت حزبی یا کار گروهی نداشت، تا مردم را نسبت به فعالیت جمعی و پیوستن به احزاب بدبین و بی‌اعتماد کنند. و همچنین برای مبارزه با فعالیت حزبی جدی از طریق سرگرم کردن و ارائه الگوهای نامناسب تلاش کردند.

حکام برای مسلمانان گروه‌هایی را به وجود آوردند که یا به مسائل بی‌اهمیت و بی‌ارتباط با تغییر واقعی مشغول بودند، یا به فساد کشیده شده بودند تا اعضای این گروه‌ها را از مسیر حق و تغییر مطلوب منحرف کنند. آن‌ها برای این گروه‌ها افراد و شخصیت‌هایی را جذب کردند و از آن‌ها نمادها و چهره‌های برجسته‌ای ساختند تا توجه عموم مردم و تحسین ساده‌لوحان را جلب کنند، تا بدین ترتیب مردم را از احزاب مبدئی اصلاح‌طلب و جدی منحرف سازند.

همچنین برای ناکام ساختن نمونه‌هایی از احزاب و جنبش‌ها تلاش کردند؛ پس از آنکه این احزاب را بزرگ جلوه داده و جایگاه‌شان را بالا بردند، آن‌ها را به شکست کشاندند تا امت را به ناامیدی از گروه‌ها و احزاب و قانع شدن به بیهوده بودن فعالیت حزبی برسانند.

و همه این اقدامات فقط به این دلیل است که حاکمان نمی‌خواهند امت حول احزاب اصول‌محور متحد شود و به گزینه‌ی فعالیت حزبی جدی که توانایی تغییر اوضاع و سرنوشتی نظام‌ها را دارد، پایبند بماند و برای تقویت این باور که فعالیت حزبی واجب و دارای اهمیت است، دو دلیل اساسی کافی است: اول، این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

ترجمه: و باید از میان شما گروهی باشند که /مردم را/ به خیر دعوت کنند و به معروف فرمان دهند و از منکر بازدارند و آنان همان رستگارانند.

پس این آیه‌ی مبارک بر امت واجب کرده که حزب یا احزابی را تشکیل دهند که مردم را به خیر، یعنی به اسلام دعوت کنند، به معروف فرمان دهند و از منکر بازدارند. این آیه همچنین بر جواز تعدد احزاب (تشکیل چندین حزب) دلالت دارد.

دلیل دوم، سیره‌ی رسول الله ﷺ است. رسول الله ﷺ در مکه مکرمه، رهبر گروه (تجمع) صحابه رضوان الله علیهم بود. ایشان از طریق کار جمعی با اعضای این گروه توانست نظام جاهلی را دگرگون کرده و دولت اسلامی را برپا کند. پس رسول الله ﷺ به صورت فردی عمل نمی‌کرد، بلکه با تکیه بر یک گروه منسجم از صحابه رضوان الله علیهم عمل می‌کرد و راست فرمود الله سبحانه و تعالی:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾. [احزاب: ۲۱]

ترجمه: قطعاً برای شما در /سیره و رفتار/ رسول الله ﷺ سرمشق‌ی نیکوست؛ برای آن کسی که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را فراوان یاد می‌کند.

نویسنده: باهر صلاح

مترجم: پارسا امیدی

۱۰ رمضان ۱۴۴۶ ه.ق.

به ۹ مارچ ۲۰۲۵ م